

(بعضی گفتند خیر طبع شده)

شیخ الاسلام - راجع به لوابی که در کمیسیون بودجه قدیم راجع به وزارت معارف مانده اگر اوابیج سابق است که يك نقص داشت یعنی لایحه بود که يك مبلغ هنگفتی وزارت معارف پیشنهاد کرده بود فقط باامضای وزارت معارف بود در کمیسیون اشکال شد که تمام لوابیجی که از طرف وزارتخانهها میرسد باید باامضای رئیس الوزراء و وزیر مسئول باشد آن لایحه امضای رئیس الوزراء را نداشت و معوق ماند

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده میخواستم در مجلس به مقام ریاست تذکر بدهم که وزارت مالیه در اجرای قانون بودجه که گذشته است يك قدری یا کوتاهی می کند یا سوء تفاهمی برایش حاصل شده است بنده می بینم شهریه بگیرها درجه در راه در کوچه در خیابانها جلوی و کلای مجلس را میگیرند و میگویند چرا شهریه مارانمی دهند در صورتیکه در قانون بودجه که از مجلس گذشته تصریح شد که به مجرد فرستادن صورت جزء به مجلس می توانند يك قسمت از این شهریهها را به بردازند و حالا چندی است که فرستاده اند در کمیسیون بودجه هم مطرح شد تصمیماتی هم اتخاذ شد راپرتش هم حاضر و تقدیم شده است بااین حال شنیدیم وزارت مالیه مانع از پرداخت شده و اینهارا سوق میدهد به طرف افراد و کلا تولید زحمت می نماید خواستم استدعا کنم در صورت لزوم به وزارت تأکیدی بفرمایند که این قدر در دسر برای و کلا فراهم نیابند

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده از کمیسیون بودجه قدیم استمفامیدم برای اینکه بعضی کمیسیون عدلیه انتخاب شده ام و به کمیسیون بودجه نمیرسم

رئیس - بسیار خوب ده نفر دیگر باقی میماند

ممکن است کمیسیون را تشکیل بدهند

آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - بنده خواستم فرمایش آقای شیخ الاسلام را عرض کنم که لوابیج راجع به معارف امضاء شده و دارای دو امضاء هست که یکی حسن که متعلق به آقای مستوفی الممالک است و دیگر اسم آقای محترم السلطنه

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - راجع به شهریهها که حضرت والا فرمودند وزارت مالیه مردم را سوق می دهد به

بطرف مجلس - ملاحظه قانون را کرده است اول آن ماده قانون بودجه دارای دو موضوع است یکی مستمریات یکی شهریهها و وزارت مالیه مطابق همان قانون مستمریات را نمی تواند بپردازد مگر صورت جزئیات را به مجلس بیاورد و هنوز به مجلس نیامده و امروز معاون وزارت مالیه در کمیسیون بودند و اظهار می کردند که اگر صورت جزء مستمر بگیر هارا با اسم بنویسند يك مدتی وقت لازم دارد و وقت هم نیست و کمیسیون هم تصور کرد مثل سال گذشته ممکن است بچند جزء قسمت کرد مثلا کسانیکه پنج تومان شهریه دارند فلان قدر و فلان مبلغ و کسانیکه يك تومان دارند فلان قدر و فلان مبلغ و الا عملی نیست که مابینجاه هزار قلم مستمری را یکی یکی با دقت برسم کمیسیون صورت قانون را این طور برای آنها تفسیر کرد که ترتیب داده و بفرستند در موضوع شهریهها هم همانطور که فرمودند هر وقت بودجه جزعرا به مجلس فرستادند البته مطابق قانون باید يك دوازدهم آنرا بپردازند امروز هم در کمیسیون مطرح شد فقط برای وزارت مالیه يك سوء تفاهمی تولید شده بود و توضیحی میخواستند که امروز کمیسیون آن سوء تفاهم را رد کرده و راپرت شهریه را تمام کردیم ولی راپرت آن امضاء نشده است و هنوز بمقام ریاست تقدیم نشده انشاء الله در ظرف امروز و فردا خواهد رسید ولی وزارت مالیه این دوسه روزه تأمل کرده تا تصمیمی که کمیسیون گرفته است عملی شود چون کمیسیون بودجه برای شهریه ترتیبی در نظر گرفته است ولی کمیسیون وزارت مالیه را متذکر نمود که تا قانون جدیدی نگذشته آن قانون سابق در اثر خودش باقی است و مطابق ماده ۳ قانون بودجه وزارت مالیه صورت جزعرا به مجلس فرستادند و حالا باید يك دوازدهم را بپردازند و آنها را راحت کنند تا بعد راپرت کمیسیون بودجه در مجلس مطرح شده و هر طور تصویب شد بعد عمل شود دیگر اینکه بنده باز میخواهم يك عرضی بکنم و آن این است يك تا کیدی وزارتخانهها شود که بودجههای تفصیلی خودشان را حتی الامکان زودتر به مجلس بفرستند چون ما هر چه بخواهیم کوشش کنیم باز وقت نداریم و بیست و يك جلسه بیشتر نمیتوانیم داشته باشیم مگر اینکه جمعه هارا هم جلسه داشته باشیم آن وقت ۲۹ جلسه میشود و باید در این بیست و نه جلسه چیزهای لازم را بگذرانیم والا اگر بودجهها از مجلس نگذرد وزارت مالیه نمی تواند دیناری باجزای ادارات بپردازند خوب اگر خدای نکرده ۲۹ روز هم گذشت و صورت بودجه جزء نیامد و دوره مجلس هم منقضی شد آن وقت اعضای ادارات بدبخت بایستی تأمل بکنند تا مجلس پنجم بودجه رسیدگی کنند و کار کنند و پول بگیرند ؟ چون در ماده ۳ این قانون میگوید تا صورت بودجه جزعرا ادارات به مجلس نیاید يك شاهی

داده نخواهد شد و هنوز هم صورت بودجه جزء آنها به مجلس نیامده مخصوصاً بنده وحشتی که دارم راجع بمعلمین مدارس است که حقوقشان معوق مانده و بفلاكت بیفتند در صورتیکه حقوقشان از همه کمتر است يك سال دیگر هم عمر اطفال ما بهدر برود این است که اگر آقایان قبول بفرمایند يك تا کید جدیدی بهیئت دولت بشود که هر چه زودتر بودجه جزء خودشان را به مجلس بفرستند

رئیس - در این باب مخالفی که نیست و همچنین راجع بشهریهها چون به مجلس هم اتصال اعراب می نویسند آقایان مخالف نیستند که بهیئت دولت تذکر داده شود که بموجب قانون مادام که قرار دیگری در شهریهها داده نشده از قرار سال گذشته يك دوازدهم آنرا میتوانند بپردازند چون صورت تفصیلی شهریهها رسیده و صورت تفصیلی مستمریها هنوز رسیده نسبت بشهریهها نوشته خواهد شد

آقای حائریزاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده راجع به هاجرین ارومیه که يك عده هستند که زبان فارسی را درست نمیفهمند و من هم زبان آنها را نمیفهمم و اغلب اسباب مزاحمت فراهم کرده و خیال میکنند و کلاء تقصیری دارند از قراریکه شنیده ام يك تصمیمی گرفته شده که تا اول حمل يك مهاجر جی به هاجرین داده شود بعد هم مهاجر مسافرتی بآنها داده شود از اول حمل مهاجر آنها قاطع شده و مهاجر مسافرت هم بآنها داده نشده و يك عده مهاجرین دروغی هم ضمیمه مهاجرین حقیقی شده اند خوب است تذکر داده شود وسایل آسایش آنها را فراهم کنند که بیجهت اشخاص بی تقصیر را مقرر نکنند

رئیس - دوسه مرتبه نوشته شده که اگر وجهی برای مراجعتشان لازم بدانند به مجلس پیشنهاد کنند

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۲۷۷

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه سوم جوزا

(۱۳۰۲) مطابق هفتم شوال

المکرم ۱۳۴۱

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

(صورت جلسه یوم چهارشنبه)

دوم جوزا را آقای امیر ناصر

قرائت نمودند

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم تمنا میکنم اجازه ام محفوظ بماند

رئیس - در صورت جلسه ایرادی نیست ؟
(اظهاری نشد)
آقای عماد الملك تقاضای يكماه مرخصی کرده اند کمیسیون هم از ششم الی آخر برج جوزا مرخصی ایشانرا تصویب کرده است باید برای گرفته شود آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - برای اینکه آقایان مستعضر باشند که آقای عماد الملك ناچار هستند بروند عرض میکنم چون ایل عشقانی برای بیلاق حرکت کرده اند و ایشانهم مجبورند بروند و اگر بنا باشد آقایان نمایندگان مرخصی ایشان را تصویب نکنند نسبت باشان ظلم فاحشی شده است و البته آقایانهم تصدیق میفرمایند که آقای عماد الملك از وکلای زحمت کشی میباشد و در این مدت هم که در مجلس بوده هیچوقت غیبت ننموده اند دیگر بسته است بنظر آقایان نمایندگان

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای عماد الملك را از ششم الی آخر برج جوزا تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای شیخ الاسلام اصفهانی
(اجازه)
شیخ الاسلام - از ابتدای دوره چهارم تا کنون ترتیب لوابیج این بوده است که ابتداء وزراء یا معاونین وزارتخانهها يك لایحه را تقدیم مقام ریاست میکردند و از طرف مقام ریاست هم ارجاع می شده است بکمیسیون های مربوطه از طرف کمیسیونهم طبع و بین آقایان نمایندگان توزیع میشده است و پس از آنکه از کمیسیون مربوط هم میگذشته است يك مرتبه دیگر طبع و بین آقایان نمایندگان توزیع میشده است

بندهم که از تصویب مجلس میگذشت در دفعه سوم با طبع و توزیع میشد این قاعده در تمام لوابیج که از طرف وزارتخانهها تقدیم مجلس میشده است معمول بوده مگر در مورد بودجه های مملکتی که به هیچوجه این ترتیب را معمول نداشته اند

مثلا بودجه وزارت جنگ را تقدیم مقام محترم ریاست کردند و بعد معلوم نشد چه شد ؟ و به کجا رفت ؟ سایر بودجهها را هم بعد از تصویب کمیسیون بکمرته دیگر بیشتر طبع و توزیع نکردند

در صورتیکه به عقیده بنده مهم ترین لوابیج بودجه های مملکتی است و هر قدر بیشتر طبع و توزیع شود که همه کس تشکیلات مملکتی را بدانند بهتر است در موضوع بودجه های امسال این مسئله را بیشتر توسعه داده اند مثلا بودجه وزارت

عدلیه اصلاً به مجلس نیامده هم بقدر آقای رئیس فرمودند که بودجه وزارت عدلیه به مجلس آمده است و دیروز در ضمن بیانات شاهزاده سلیمان میرزا و شاهزاده نصرت الدوله ما فهمیدیم که صورت شهریه هارا به مجلس فرستاده اند به قیامه بنده همانطور که لوایح سایر وزارت خانها به مجلس می آید و سه مرتبه طبع و توزیع میشود بودجه های مملکتی هم بهمان ترتیب باید به مجلس بیاید حالا اگر سه مرتبه هم طبع و توزیع نشود لاقول دومرتبه طبع و بین نمایندگان توزیع شود زیرا مسئله بودجه مسئله خیلی مهمی است.

رئیس - لایحه فقط از ماده یازدهم مطرح است.

(ماده یازدهم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ دولت باید در امتیازنامه قید نماید که صاحب امتیاز متعهد است از مقدار نفتی که بموجب این امتیاز در ایران تحصیل میشود معادل احتیاجات و مصارف ایران در خود ایران تصفیه نماید دولت و ساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نفت تصفیه شده و بنزینی که برای استعمال و مصرف داخله لازم است (ولی نه برای صادرات ایران بجهت فروش) بقیمتی که حقیقتاً تمام میشود بملاوه صدی ده از صاحب امتیاز خریداری نماید قیمت هر چلیک نفت خارج قسمت مبالغ ذیل خواهد بود بعد چلیک های استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت است

الف - قیمت نفت تصفیه شده که عبارت است از مزد عملیات و مخارج سوخت و آماده کردن آن

ب - مخارج تصفیه و حمل و حاضر کردن برای فروش در ایران

ج - مخارج اداری و دفتر داری و نظارت در ایران

د - استهلاك سرمایه مصروفه برای احداث کارخانجات و ملزوماتی که در معرض استعمال و برای تحصیل نفت و تصفیه و فروش آن بموجب این قرارداد لازم است از قرار سالی دوازده و نیم (۱۲.۵) تا وقتی که سرمایه مصروفه بالغ بر صدی صد شود

ز - ربح سرمایه مصروفی از قرار نرخ سالیانه صدی هفت مادام که سرمایه مزبور مستهلك نشده است.

تبصره ۱ - مقصود از جمله استعمال و مصرف خصوصی (مقدار نفت تصفیه شده است که اشخاص یا شرکاء و کمپانی و شرکتهای و تاسیسات دیگر در ایران مصرف مینمایند و بطور کلی مقصود این است که حاجت سکنه ایران از محصولات مزبوره در صورتیکه موجود شود برآورده گردد مشروط بر اینکه برای مصرف محلی باشد

نه برای صدور جهت فروش در خارج از ایران بوسیله دولت یا اشخاص متفرقه تبصره ۲ - کلمه چلیک واحد کیلو عبارت از چهل دو کالش امریکائی است بقرارت شصت درجه فارنهایت

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - در شور اول در این ماده مباحثات زیادی شد اولاً راجع به اینکه چرا دولت ایران استخراج چهار یا پنج قسم مواد معدنی را بصاحب امتیاز اجازه بدهد آنوقت دو قسم آنرا معین کند که بچه قیمت بایرانها بدهند شاید یکوقت ایران محتاج به قیر وموم شد.

مخصوصاً این عجله که مادربیشرفتن کارها داریم مثلا مالکی که هزار سال است متدن شده اند هنوز برای دفع ملخ کاری نکرده اند ولی ما از حالا انز کسیون برای دفع ملخ میسازیم شاید ده سال دیگر محتاج شدیم و خواستیم خیابانها را سطح نموده و قیر بریزیم یا کارخانه شمع سازی بایران آوردند و محتاج بموم شدیم اینطور در نظر دارم که در همان شور اول آقای مخبرم قبول فرمودند که همان چهار یا پنج قسم معدنی که اجازه استخراجش داده میشود همان مواد را هم با ترتیبات معینی بایرانها بدهند ولی در این لایحه که راجع بشور دوم است باز همان نفت و بنزین فقط را معین کرده اند مطلب دیگر که میخواهم عرض کنم اینست که این مرحمتی که درباره تجارت کرده است مرحمت عجبی است نفتی که متعلق به مملکت خودمان است وقتی تجارت میخواهند بخرند علاوه بر مخارج استخراج یکدیک هم نفع بدهند و بنظر بنده این مطلب خیلی غریبی است

در شور اول در این خصوص هم پیشنهاد مائی داده شد و به کمیسیون ارجاع شد ولی باز هم که برای شور دوم به مجلس آمده است هیچ این ملاحظات نشده و به همان ترتیب سابق نوشته شده است

سهام السلطان - منشی کمیسیون در قسمت قیروموم که آقای شیخ الاسلام اظهار فرمودند در کمیسیون هم همینطور مذاکره شد ولی چون استعمال آنها عیالاً در مملکت کم است و حسابش هم باعث اشکال میشود ولی چون بنزین و نفت بیشتر طرف احتیاج عموم است و استعمالش زیاد تر است باین جهت آنها نوشته شده اما اینکه فرمودند چرا باید دیک نفع بدهند و این قیمت برای نفت و بنزین زیاد است اینطور نیست زیرا سرمایه و منفعت سرمایه تا زمانیکه استهلاك نشده است باید محسوب شود و پس از مستهلك شدن دیگر نه سرمایه و نه منفعت آن محسوب نخواهد شد

منفعت سرمایه کمپانی را از قرار صدهفت که معمول همه دنیا است حساب

کرده اند و بدیهی است کمپانی که مالیاتی پول خودش را صرف این راه میکند و زحمت میکند باید منافع ببرد و منفعتی که برای او منظور شده است همین ده یک است و این ده یک هم برای او زیاد نیست

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - آقای سید الملک (اجازه)

سید الملک - یک قسمت از عریض بنده را آقای شیخ الاسلام فرمودند بنده هم عقیده ام این است نوشته شود

نفت و بنزین و سایر مواد مستخرجه که بملاوه این مسئله که اینجا در بین الهالین نوشته شده است (ولی نه برای صدور از ایران بجهت فروش) سکنه به تجارت ایران وارد میآورد

بعقیده بنده تجار ایرانی هم باید مجاز باشند که نفت را برای تجارت به خارج حمل نمایند

یک مسئله دیگر این است که کمپانی صدهفت ربح پولش را معین کرده و ده یک منفعت را در این خصوص هم عقیده بنده این است منفعت را هم صدهفت معین کنند

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - کمپانی که حاضر میشود مالیاتی خرج کند برای استخراج نفت مقصودش این است که از تجارت و فروش نفت منفعت ببرد

بنابر این در هر نقطه که تصور کند بهتر نفت فروش دارد حتماً با آنجا حمل خواهد کرد و نمیشود او را هم مجبور کرد که حتماً تومال التجاره ات را در فلان نقطه باید بفروشی و برای اینکه دفع احتیاج ایرانها هم شده باشد در این قانون قید شده است که باندازه مصرف داخله ایران باید بایرانها فقط بدهد

ایرانها میتوانند در داخله ایران تجارت کنند ولی بخارجه برای فروش نمیتوانند حمل کنند لیکن از گیلان میتوانند حمل بکرمانشاهان یا بخراسان نمایند و در داخله مملکت باندازه احتیاج ایران می توانند خرید و فروش کنند ولی کمپانی حاضر بفروشد که آنها بخارجه حمل کنند زیرا مقصود او این است که از امتیاز و استخراج این نفت استفاده کند و در موضوع صدور از ایران هم فقط برای فروش ممنوع است والا اگر بکنفر بخواهد برود بعثیات و یکمقدار بنزین برای اتومبیل خودش لازم داشته باشد البته میتواند ببرد و اما راجع به صده

سرمایه کمپانی به دو قسمت منقسم می شود یک قسمت پول نقد است که صرف عملیات و اجزاء اداری میشود

یک قسمت هم صرف خرید ماشین آلات و سایر آلات و ادوات میشود

بنابر این آن قسمت از سرمایه اش که صرف خرید اسباب و ماشین آلات شده است نباید از میان برود و باید از یک محلی تأمین شود چرا برای اینکه ماشین استعمال میشود و رفته رفته خراب میشود

پس باید کاری بکنند که این قسمت از سرمایه که صرف خرید ماشین شده است در یک مدتی مستهلك شود

اول مدتی که برای استهلاكش قرارداد داده است هشت سال است برای اینکه ربح یک قسمتی از سرمایه که برای خرید ماشین آلات است صد دوازده و نیم است و صد دوازده و نیم هر پولی را که شما قراردادید در مدت هشت حال مستهلك میشود و آن صدهفت هم از بابت ربح پولش است که کار میکند برای مزد عملیات و اجزاء اداری و البته این پول را که مجاناً نباید دور بریزد البته اگر صرف عملیات و سایر کارهای استخراج نفت نکند در تجارت بگذارد منفعت می برد و طبعاً از برای آن پول یک نفعی منظور است که حد وسط صدهفت است

بنابر این حق الزحمه خود کمپانی می ماند آنوقت حق الزحمه خود او آن صده است و ده یک گمان نمیکنم زیاد باشد یعنی یک موضوعی است که الان در همین بازار هر کس از آقایان برون جنسی بخرند با کمال منت حاضر هستند که آن فروشنده تومانی صد دینار یعنی ده یک نفع بگیرد بعد از آن حسابها و مخارج

بنابر این صده که اضافه می گیرد در واقع در سال تومانی از صد دینار هم کمتر میشود یک چیز زیادی نیست و این صده ده یک میزان عادلانه است و تصور نمیکنم که کسی حاضر شود حق الزحمه خودش را کمتر از صده قبول کند

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

بعضی دیگر کافی نیست

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای حاضرین

(اجازه)

حائری زاده - این ماده دارای دو جمله است یک جمله راجع به تصفیه کردن نفت در ایران

این را بنده باین شکلی که نوشته است موافق نیستم (که بقدر مصرف داخلی ایران باید تصفیه شود) بلکه معتقدم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران شود و تمام نفتی که حمل بخارج میشود فقط تصفیه

شده باشد

عملیات تصفیه باید تماماً ایرانی باشند

(در امتیاز داری (فقط جنوب) ماده دوازده یک جمله را مینویسد که همین معنی را میرساند اظهار میکند (تمام عملیات غیر از عملیات فنی باید اتباع ایرانی باشند) با وجودیکه این ماده ۱۲ را داشته شنیده می شود که تصفیه نیز در غیر ایران می شود و نقطه های سیاه بتوسط کشتی حامل میشود و در آنجا تصفیه میشود

و عملیات خودشان در آنجا کار میکنند در صورتیکه در آن اجازه نامه تصریح شده است برای اینکه ربح یک قسمتی از سرمایه که برای خرید ماشین آلات است صد دوازده و نیم است و صد دوازده و نیم هر پولی را که شما قراردادید در مدت هشت حال مستهلك میشود و آن صدهفت هم از بابت ربح پولش است که کار میکند برای مزد عملیات و اجزاء اداری و البته این پول را که مجاناً نباید دور بریزد البته اگر صرف عملیات و سایر کارهای استخراج نفت نکند در تجارت بگذارد منفعت می برد و طبعاً از برای آن پول یک نفعی منظور است که حد وسط صدهفت است

بنابر این حق الزحمه خود کمپانی می ماند آنوقت حق الزحمه خود او آن صده است و ده یک گمان نمیکنم زیاد باشد یعنی یک موضوعی است که الان در همین بازار هر کس از آقایان برون جنسی بخرند با کمال منت حاضر هستند که آن فروشنده تومانی صد دینار یعنی ده یک نفع بگیرد بعد از آن حسابها و مخارج

بنابر این صده که اضافه می گیرد در واقع در سال تومانی از صد دینار هم کمتر میشود یک چیز زیادی نیست و این صده ده یک میزان عادلانه است و تصور نمیکنم که کسی حاضر شود حق الزحمه خودش را کمتر از صده قبول کند

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

بعضی دیگر کافی نیست

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای حاضرین

(اجازه)

حائری زاده - این ماده دارای دو جمله است یک جمله راجع به تصفیه کردن نفت در ایران

این را بنده باین شکلی که نوشته است موافق نیستم (که بقدر مصرف داخلی ایران باید تصفیه شود) بلکه معتقدم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران شود و تمام نفتی که حمل بخارج میشود فقط تصفیه

کمپانی بما کرده باشد بلکه يك خدمتی است که ما بکمپانی میکنیم او برای نقش بازار فروش لازم دارد مملکت ایران برای او بازار فروش میشود

ما با اجازه داده ام که نفتش را بفروشد و بازار فروش برای او تهیه کرده ایم دیگر عملیاتی برای خریدار نفت در اینجا بشود خارج از انصاف است و بنده این ماده را که در امتیاز چک اسلاک نوشته شده و این معنی را بهتر معلوم میکنند از آنرا تغییر داده و بطور پیشنهاد راجع بعمله که باید تمام عملیات ایرانی باشند

اگر اینجا ما بمسامعه بگذرانیم و کمپانی اجازه داشته باشد که عملیات نفتی را بقدر احتیاج ما در ایران در اینجا بکند و مابقی را ببرد در خارج این موافق با مصالح مردم نیست

ما یکی از علل عمده که میل داریم نفت بکار بیفتد برای این است که بیکارها بکار افتاده ارتزاق کنند و ما نباید عملیات تصفیه را به از احتیاج فروش آن در ایران قرار بدهیم بلکه باید تمام عملیات نفتی اعم از اینکه در ایران بفروشد یا در بازار دنیا بفروش برسد در ایران قرار بدهیم و عملیات آن باید ایرانی باشند

یکی هم راجع بجمله نانی است که قسمت نفت را برای اتباع ایران تعیین کرده اولاً فقط یک متاعی است یعنی یک مال التجاره است و مال التجاره هم سنت نداده که همیشه نفع بکنند ممکن است روزی رقابتهائی پیدا شود که از آن میزانی هم که مخارج کرده کمتر بفروشد امروز ما خودمان می بینیم در تهران این تجارتخانه هائیکه جنس وارد میکنند اغلب بضرر می فروشند امروز ترقی میکند فردا ضرر می کند و ما ملزم نیستیم که رعایای این مملکت را ملزم کنیم که همیشه بکمپانی منفعت بدهند کمپانی هم در ایران به قیمت بازار دنیا بفروشد زیرا قیمت نفت هم مثل قیمت لیره و سایر چیزها همه روزه در باد کوبه ترقی و تنزل میکند و هر روز یک قیمتی دارد در اینصورت نرخ نفت را باید مطابق نرخ بازار دنیا قرار دهند مثنی کرایه که از محل استخراج تا بازار دنیا متحمل میشود کسر کنند فرضاً اگر در باد کوبه چلیکی ۵ قران قیمت نفت تصفیه شده است و بیکقران هم کرایه میگیرند تا بایران بیآورند باید در آنزلی چهار قران هم بفروشد نرخ بازار دنیا معلوم کنند و کرایه را هم کم کنند در ایران بفروش برسانند خواه برای کمپانی منفعت داشته باشد یا ضرر ما ملزم نیستیم که در تمام موارد منافع کمپانی را ملحوظ بداریم یکدفعه فقط زیاد استخراج کردند نفت تنزل کرد چرا در آن صورت اتباع ایران باید قران بخرند در صورتیکه در تمام دنیا فقط ارزان است این یک خدمتی نیست که

که بعضی از آقایان فرمودند باید تمام مواد نفتی اعم از تصفیه شده یا نشده ما بحتاج ایران را کمپانی بدهد و در اینجا تصریح کردندش فقط نفت تصفیه شده و بنزین بیورد است باید نوشته شود تمام مواد مستخرجه از معدن نفت اعم از بنزین و قیروموم معدنی و غیره که ایران بآن محتاج است البته باید اول رفع احتیاج خود ایرانیها را از این معدن بکنند بعد مازاد آنرا بخارجه حمل نماید این قسمت را تصور میکنم که اغلب آقایان معتقد باشند که باید اصلاح شود و اگر آقای مخبر محترم بودند قبول میفرمودند قسمت دیگر راجع باستهلاك سرمایه است آنهم در ظرف سال بنده این را هم بیورد میدانم زیرا سرمایه ایکه برای استخراج نفت و تصفیه در ایران بمصرف میرسد باید این قیمت از سرمایه مستهلك شود اما سرمایه که بمصرف لوله کشی و کشتی و حمل بخارجه و مخارج اداره و فروش آن در امریکا و سایر نقاط میرسد مربوط بایران نیست و اگر چه این قسمتها هم جزو سرمایه کمپانی است و باید مستهلك شود ولی این قسمتهائی که در خارج از ایران بمصرف میرسد باید کمپانی از مصرف فروش همانجا سرمایه را مستهلك کند و نباید ضرر آن را ایرانی متحمل شود بلکه این استهلاك باید در عملیات فروش خارجه یعنی در اروپا و امریکا بشود سرمایه ای که در داخله ایران برای استخراج تصفیه و فروش و تشکیل ادارات بمصرف میرسد باید موضوع شود قسمت دیگر که بنده نظر دارم و اهمیت میدهم نسبت باستهلاك ۱۲ درصد در ظرف ۸ سال است و عقیده دارم که این سرمایه کمپانی باید در ظرف مدت امتیاز استهلاك شود یعنی اگر مدت امتیاز ۴۰ سال است در ظرف ۴۰ سال است استهلاك شود و اگر ۵۰ سال است در مدت ۵۰ سال نه اینست که در ظرف ۸ سال تمام سرمایه اش را بردارد و پس از ۸ سال صده ۸۰ را ببرد و صده ۲۰ با بدهد حالا تفاوت این کجاست تفاوت آن این است که اگر بنا باشد در ظرف ۸ سال از قرار صده ۱۲ استهلاك شود آنوقت هیچ چیز عاید ایرانی نمیشود و باید تمامش را کمپانی بدهد بملاوه قیمت نفت هم بواسطه استهلاك سرمایه در این مدت ۸ سال بقدری گران میشود که ایرانی نمیتواند از آن نفت خریداری کند و مجبور میشود از باد کوبه نفت وارد کند بملاوه و وقتیکه مدت استهلاك سرمایه را زیاد کردیم آنوقت هم قیمت نفت کم میشود و هم عایدات در مدت استهلاك زیاد میشود و بی اعتدالی هم در موضوع استهلاك نشده است بنده آن دو قسمت اول را پیشنهاد کردم نسبت باین قسمت فراموش کردم که پیشنهاد کنم و عقیده ام این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا اینکه خود در کمیسیون هستم و عضویت دارم معذک نسبت بیک قسمتهائی از این ماده نظر پاتی دارم که بر سر میسامم والا همانطور

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

مدیر رس - پیشنهاد کنید بر گردد بکمیسیون

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - مرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - (خطاب بآقای حاج شیخ اسدالله) این پیشنهاد را می خواستید قبل از آنکه این فرمایشات را می فرمودید بفرمائید (خطاب بنمایندگان) فرمایشات ایشان اذعاناً مشوب کرده است حالا بنده باید دفع مشوب بودن اذهان را بنمایم آقای حاج شیخ اسدالله این مطالب را در کمیسیون فرمودند و بایشانم جواب داده شده باز حالا هم پیشنهاد میکنند این لایحه بر گردد بکمیسیون بنده چون عضو کمیسیون هستم

مدیر رس - مامم عضو کمیسیون هستم و میگویم این لایحه بر گردد بکمیسیون

آقا سید یعقوب - بلی عضو کمیسیون بودید ولی در کمیسیون حاضر نمیشدید و فقط ما یکمده بودیم که حاضر میشدیم ولی بعضی سیاست را مقدم بر این عساکر می دانستند آقای حاج شیخ اسدالله راجع به مطلب اشکال فرمودند اشکال اول اینست که بیان کردند که قسمت مستخرج از جاهها باید طوری نوشت اعم از نفت و بنزین و قیروموم و سایر چیزها باشد در این قسمت بنده هم موافقم که تمام موادی که از جاهها استخراج میشود برای اتباع داخلی اگر محتاج باشند کمپانی باید بدهد اگر چه جواب ایشان را آقای سهام السلطان دادند ولی مسئله دیگریکه باید آقایان نمایندگان آنرا نصب المعین قرار بدهند این است که این کمپانی کمپانی اقتصادی و تجارتي است **حاج شیخ اسدالله** - ما قانون می گذاریم فعلاً با کمپانی طرف نیستیم

آقا سید یعقوب - این کمپانی کمپانی است که تشکیل شده برای تجارت این موادی که از جاهها استخراج میشود اعم از نفت و بنزین و گاز طبیعی و قیروموم بعد از آنکه برای کمپانی منفعت کند با اتباع ایران خواهد فروخت معذک ما کمپانی را ملزم میکنیم که نفت و بنزین بقدری که در داخله مملکت مصرف دارد بفروشد بنده از نفت جنوب اطلاعی ندارم آقا گفته میشود نفتی که در ظرف جنوب فروخته میشود کرانتر از نفتی است که در انگلستان فروخته میشود از این جهت بود که کمیسیون در نظر گرفت که کمپانی نفتی را که در ایران بفروش میرساند باید صده ده قایده از آن ببرد و همانطور که آقای سهام السلطان فرمودند کمپانی ملزم است باین ترتیب بفروشد ولی ایرانها ملزم نیستند حتماً بخرند یعنی در صورتی که دیدند نفت جای دیگر ارزانتر است از آنجا میخرند این بود جواب آقای

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

حاج شیخ اسدالله راجع باین قسمت وحالا هم اگر پیشهادی دارند پیشهاد نمایند شاید کمیسیون هم بپذیرد راجع بقسمت دوم هم حاج شیخ اسدالله يك روزی در کمیسیون همین مطلب را بطور مفصل بیان فرمودند و چون ماه رمضان بود می خواستند روزشان تمام شود در آنجا هم جواب داده شد عرض کردیم مخارجیکه کمپانی کرده است و از تمام این مخارج این محصول پیدامی شود این محصول که دارای سه چشمه نیست که يك چشمه آن مخصوص بایران و دوتای دیگر آن مربوط باریو و آمریکا باشد مخارج هم از نفتی که در ایران فروخته می شود کسر میشود و هم از قسمتی که در خارج از ایران میفروشد کسر میشود و دیگر کمپانی الزامی ندارد که بیاید يك اداره برای ایران و يك اداره برای اروپا و یکی برای آمریکا تشکیل دهد و مخارج را نسبت باین سه اداره مجزی معین کند تا اینکه ما بگوئیم این قدر سرمایه مختص بایران است همین اندازه باید مستهلك شود و فلان قدر راجع باریو و آمریکا است در صورتیکه اساساً يك سرمایه است و کمپانی يك مخارجی میکند و يك نفتی بیرون می آورد مثلاً سالی ده هزار تن نفت بیرون می آورد و از این مقدار يك تلمش در ایران مصرف میشود و باقی در جاهای دیگر ما بطور میتوانیم این مخارج را قسمت کنیم به نفتی که در ایران یا سایر جاها مصرف میشود کمپانی بطور میتواند بفهمد چقدر نفت در ایران مصرف میرسد تا يك اندازه از سرمایه اش را برای ایران تخصیص بدهد و مخارجش را معلوم کند اما راجع بقسمت استهلاك که فرمودند بنده میخواهم عرض کنم ما ایرانیها خیلی عجله داریم و نفع عاجل را مقدم بر نفع آتی میدانیم و میخواهیم نفع ما را همین امروز ما بدهند در صورتیکه غافل هستیم که ایران مال ایرانیها و اولاد و اخلاف ما هم حق استفاده دارند اگر ما سرمایه را در مدت دو سال استهلاك کنیم آنوقت بعد از دو سال عایدات ما بیشتر خواهد شد علاوه مساده دیگری هم در این قانون هست و آن این است که بعد از انقضای مدت امتیاز تمام کارخانجات وابتنه و ماشین آلات متعلق بما خواهد بود اگر سرمایه را در مدت کمی استهلاك کنند نفع عاجلی برای ما ندارد ولی از آن طرف اولادهای ما استفاده خواهند کرد بنابراین هیچ ضرری ندارد سرمایه در مدت ۸ سال مستهلك شود کمپانی زودتر سرمایه خود را بردارد آنوقت بعد از این مدت صد هشتاد برای کمپانی صد بیست ۲۰ برای ما خواهد بود با اینحال باز اگر میخواهید به کمیسیون برگردد پیشهاد کنید .

رئیس - پیشهاد آقای دانش قرائت میشود .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشهاد میکنم این ماده بر گردد

به کمیسیون و پس از تحقیق کاملتری بمجلس بیاید .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله هم همین مضمون را پیشهاد کرده اند آقایانی که این پیشهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای کازرونی .

(اجازه)

آقای میرزا علی - نظر باینکه ماده ۱۶ خیلی مهم است و حالا وقت برای مذاکره آن نداریم خوب است بماند برای جلسه دیگر اما راجع بفرمایشاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که هر چه منافع برای اخلافمان بماند بهتر است بنده عرض میکنم اگر حقیقتاً این نظر را دارند خوب است اصلاً خود معدن را برای اخلاف بگذارند و آنها بیشتر میتوانند استفاده کنند چرا عقیده تان را تغییر میدهند از یک طرف ملاحظه اخلافیان را نمیفرمائید و معدن باین مهمی را برایگان از دست میدهند از طرف دیگر میگوئید اخلاف ما استفاده کنند دیگر اینکه فرمودند این کمپانی کمپانی اقتصادی است مسلم است هر کمپانی که تشکیل میشود برای تجارت و اقتصاد است و اگر برای اقتصاد نبود ما رعایت آنرا نمی کردیم همچنین فرمودند کمپانی در جاهای دیگر بیش از صد ده نفت منافع خواهد برد و ما را ملزم کرده ایم که از ما صد ده منافع بگیرد بنده عرض میکنم چه ضرر دارد در صورتی که اصل محصول را از مملکت ما استخراج میکنند چه ضرر دارد از ما منفعت نبرده باشد و بهمان منافع لا تعد و لا تحصی قناعت کنند بنا بر این بنده در خصوص منفعت صد ده موافق نیستم برای اینکه صد ده از ما منفعت بگیرد و سرمایه اش را هم در مدت ۸ سال استهلاك کند وقتی که اینطور شد مجبور است که نفت را گران بفروشد.

آقایان میفرمایند ایرانیان مجبور نیستند که نفت را از این کمپانی بخرند کور بشوند از خارجه بیاورند مثل اینکه حالا هم همینطور است مثلاً نفت جنوب را قبل از اینکه به انگلیس امتیاز بدهیم امر صندوقی که ده من تبریز وزن داشت ۱۲ قران میفروختند و بعد از اینکه امتیاز آنرا بانگلیسها دادیم بصندوقی سه تومان و ۵ تومان هم رسید و اگر ما مجاز و آزاد بودیم که نفت را از خارجه وارد می کردیم البته برای ما ارزانتر

تمام میشد تا اینکه از کمپانی جنوب بخریم ولی آنها سخت گرفته اند که هیچ کمپانی نمیتواند از خارجه نفت وارد کند و با کمپانی نفت جنوب رقابت نماید بنابراین این مردم مجبورند از او بخرند آنوقت آقایان میفرمایند مجبور نیستند از این کمپانی نفت بخرند ممکن است از خارجه نفت وارد کنند .

آقایان مایک معدن در شمال داریم و يك معدن در جنوب باین حال بیائیم برای مصرف داخلی خودمان نفت از خارجه وارد کنیم این چه کاریست مگر این قانون را در میدان جنگ وضع میکنیم عجب مرافعه هست آقای تدین فرمودند که اگر تجار از ما تومانی بکفران نفع بگیرند ما باید بمنون باشیم بنده عرض میکنم هیچ این طور نیست اگر تاجر تومانی يك پول از تجارتش فایده برد آخ رسال مستغنی میشود آقای آقا سید یعقوب فلسفه هائی فرمودند که صحیح است برای اینکه ایشان متخصص در همه چیز هستند لکن تجار گاهی صد نیم فایده میبرند گاهی تومانی صد دینار و گاهی حق العمل معمولی میگیرند که خودش مواد مخصوص دارد مثلاً در موقع صرافتی صد تومان بکفران الی دو ریال در موقع خرید و فروش چه در داخله و چه در خارجه صد تومان بکفران الی دو تومان حق العمل دارد در هر صورت بنده عرض میکنم بنده در قسمت صد ده عرضی ندارم لکن در قسمتهای دیگر این ماده عرض دارم :

اولا چه علت دارد که ایرانی حق نداشته باشد از این کمپانی نفت بخرد و بخارجه حمل کند در صورتیکه تجار خارجی میتوانند از این کمپانی نفت بخرند و بخارجه حمل نمایند ولی تجار ایرانی حق نداشته باشند آنوقت آقایان میتوانند بفرمایند ممکنست قضایائی پیش آید که حمل نفت بخارجه صلاح نباشد بنده عرض میکنم در صورتیکه اینطور باشد دولت میتواند از آن جلوگیری کند.

زندگی ما مثل زندگانی سایر دول روی کره است .

بنده عرض میکنم ما هم امیدواریم تحت البعری طیاره و چیز های دیگر هم داشته باشیم و از این مواد نفت احتیاجات خود را رفع کرده باشیم

یکی از مواد نفت شمع است که خیلی محل احتیاج ماست و ما آنرا از خارجه میآوریم یکی دیگر صابون است

دیگر روغنی است که برای انجینها بکار میبرند از جمله گاز هائی است که به جهت طیاره ها بکار برده میشود ما امیدواریم که بعد از این همه چیز داشته باشیم تا ما به مردم بخدمت نه خودمان بخودمان بنابراین این چند قسمت این ماده باید اصلاح شود یکی سود استهلاك سرمایه است در مدت ۸ سال .

این بنظر من چیز غریبی است و اگر چه آقای آقا سید یعقوب راجع باین قسمت نطق مفصلی فرمودند لکن بنده کوچکتر از آن بودم که از فرمایشات آقا چیزی استدراک کنم و چیزی نفهمیدم در این ماده میگوید که سرمایه خود را از قرار صد دوازده نیم در مدت هشت سال استهلاك کند سرمایه عبارت از مجموع آن پولی است که این کمپانی برای این معدن مصرف میکند اعم از اینکه راجع بداخله یا بخارجه باشد یا چیز دیگر و اگر ما این ماده را به همین ترتیب تصویب کنیم آنوقت باید آقای آقا سید یعقوب راهم ببریم در آنجا که تفسیر کند که مراد از سرمایه آن مقدار مخارجی است که در ایران شده است خوب همین عبارت را در اینجا بنویسید چه کنایه دارد بنده که نباید همراه قانون بروم و مفسر آن باشم و اگر بکمپانی حق بدهیم که سرمایه خودش را در مدت هشت سال استهلاك نماید آنوقت کمپانی در مدت هشت سال سرمایه خود را بر میدارد و چهل و دو سال دیگر بدون سرمایه میباشند در هر صورت بنده باز هم عرض میکنم که خوبست این ماده بر گردد بکمیسیون تا اصلاح شود و مجدداً بمجلس بیاید

وزیر فواید عامه - بنده هم نسبت باین ماده ایراداتی داشتم و در کمیسیون هم عرض کردم ولی ایرادات بنده رفع نشد و بعد لازم دانستم بانایند سینه کمر صحبت نمایم و پس از آن دیگر موقع نشد که در کمیسیون حاضر شوم و توضیحات بنمایم بنابراین عقیده دارم که این ماده بر گردد بکمیسیون و در آن امان نظر شود

رئیس - بالفعل چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - بقیه دستور میماند برای روز شنبه و ضمناً ممکن است کمیسیون راجع بماده بانزده اگر اصلاحاتی دارد بنماید و پیشهاداتی هم راجع بانماده شده است فرستاده میشود بکمیسیون

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۲۷۸

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه پنجم جوزا ۱۳۰۲

برابر نهم شوال ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم ۵ شنبه سوم جوزا را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقامیرزا علی (اجازه)